

## کتاب درسی قدیم

نحو دوره دوم در این دوره طلاب ایرانی کتابهای بهجة المرضیه (سیوطی)، شرح جامی و گاهی چند باب از کتاب تصریح را نیز فرامیگیرند و طلاب عربی بخواندن شرح ابن ناظم بر الفیه یا شرح ابن عقیل میپردازند

نحو دوره نهائی - آخرین کتابی که در علم نحو تدریس میشود و ظاهراً کتاب مختصر در این دوره است کتاب مغنی اللیب میباشد<sup>۱</sup>

علم معانی و بیان - اشتغال باین علم مقارن است با دروس دوره نهائی علم صرف و نحو. یعنی طلاب ایرانی در عرض اشتغال بکتاب مغنی و طلاب عرب در عرض فرا گرفتن شرح ابن ناظم یا ابن عقیل بتحصیل معانی و بیان میپردازند

کتابی که در معانی و بیان تدریس میشود عبارت از مطول و مختصر است. مطول را طلاب ایرانی و مختصر را طلاب عرب فرامیگیرند<sup>۲</sup> و دیده شده است که بعضی طلاب ابتدا مقداری از کتاب «مختصر» را خوانده آنگاه بفرآ گرفتن مطول پرداخته اند. طلاب عرب بخواندن مطول علاقه ای ندارند. در صورتیکه طلاب ایرانی، افغانی، هندوستانی و پاکستانی اشتیاق مفرطی بدین کتاب نشان میدهند.<sup>۳</sup>

علم منطق - شروع بتحصیل این علم مقارن دوره دوم نحو و صرف و گاهی مقلون با دوره سوم یعنی در عرض فرا گرفتن کتابهای مغنی و مطول است. کتابهایی که در این علم تدریس میشود عبارت است از: کبری، شرح شمسیه، اشکال المیزان. کبری کمتر تدریس میشود و معمولاً کتاب ابتدائی علم منطق برای طلاب ایرانی و غیر عرب یکی از دو کتاب حاشیه ملاعباده و اشکال المیزان است و طلاب عرب کتاب شرح شمسیه را میخوانند.

در دوره دوم طلاب ایرانی بخواندن شرح شمسیه و یا جوهر النفسیه مشغول میشوند و در دوره سوم کتاب درسی آنان منطق منظومه «لالی» و یا منطق اشارات و یا شرح مطالع است<sup>۴</sup>

۱ - سابقاً تمام ابواب این کتاب تدریس میشد لیکن شنیده میشود که در این ایام تنها باب اول کتاب که در حروف مفرد است و باب چهارم آن را که مربوط بسایر مهمی از علم نحو میباشد تدریس میکنند.

۲ - مرحوم تنکابنی در یادداشت خود مینویسد: مشهور و متداول بین طلاب در دروس فقط کتاب تلخیص المفتاح است. همچنین مینویسد دلائل الاعجاز و اسرار البلاغه نیز در ازمینه اخیر در دروس محصلین متداول گشته لیکن نگارنده ندیده و نشنیده ام که این کتابها در حوزه ای بتوان کتاب درسی تدریس شود و اگر چه ممکن است بعضی از طلاب این کتاب هارا بخوانند لیکن کتاب درسی متداول نیست.

۳ - در سنوات اخیر کتاب مختصری در علم معانی و بیان دیدم بنام «جوهر البلاغه» انتشار یافته است که بعضی طلاب بخواندن آن میپردازند.

۴ - کمتر دیده شده است که طلاب عرب جز شرح شمسیه بخواندن کتاب دیگری در علم منطق بپردازند.

باید گفت که اولاً عموم طلاب ایرانی و غیر عرب حاشیه ملا عبدالله را میخوانند و اغلب شرح شمسیه را نیز خوانده آنگاه برای تکمیل این علم شرح مطالع بالالی یا منطق اشارات را نیز فرامیگیرند. ثانیاً شروع بحاشیه ملا عبدالله معمولاً هنگامی است که سیوطی را تمام کرده و یا قسمت عمده آن را خوانده باشند و بعضی طلاب پس از خاتمه سیوطی و شروع به مغنی و مطول به تحصیل این کتاب مشغول میشوند و کمتر اتفاق می افتد که خواندن کتاب حاشیه پس از پایان مغنی و یا مرادف با اشتغال بوده اصول مقدماتی انجام گیرد<sup>۱</sup>

**دوره تخصصی علوم دینی** - چنانکه گفته شد تحصیل ادبیات عرب از صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و قسمتی از منطق برای عموم طلاب قدیم ضرورت داشت هر چند که غایت تحصیل آنان متفاوت باشد. طلبه ای که از تحصیل علم قصد تفقه داشت یا طالب علمی که بدنبال کلام و فلسفه میرفت یا دانشجویی که بخواندن طب قدیم میپرداخت ناچار بود ادبیات خود را در مرحله نخستین با خواندن قسمت مهم کتب گذر کرده تکمیل سازد، زیرا کتبی که در علوم مختلفه نوشته شده بود بزبان عرب بوده و برای استفاده از این کتابها فرا گرفتن ادبیات عرب کمال لزوم را داشت. همچنین خواندن علم منطق بخاطر قوت ذهن و قدرت بر استدلال و اخذ نتیجه از مقدمات علمی ضروری بود لیکن در دوره تخصصی تقریباً نوشته ها از یکدیگر مشخص میگردید و طلاب هر رشته، کتب مربوط بعلم خود را فرا می گرفتند. متفقهین بفرآ گرفتن کتب فقه و اصول و شاگردان کلام و فلسفه به تحصیل کتابهایی که در این علم نوشته شده و طلاب رشته های دیگر بکتاب مورد علاقه خود میپرداختند. از این رو نام این دوره را دوره تخصصی می گذاریم. لیکن نباید تصور کرد که کتب این دوره صورت انحصار را داشته است. بخصوص در مورد کتابهایی که در مراحل اولیه خوانده میشود چه دیده شده است که مثلاً کتاب قوانین و شرح لبعه را کسانی خوانده اند و میخوانند که قصدشان تفقه نبوده و تنها نظر آشنائی بمسائل فقه دارند و همچنین در مورد کتب فلسفه و کلام و هیئت و نجوم و طب. بهر حال کتاب های تحصیلی این دوره نیز بروفق طبقه بندی هر علم نوشته میشود.

**علم اصول** - این علم برای استخراج قواعد کلی که بوسیله آن احکام شرعی کلی را بدست میآورند خوانده میشود. علم اصول دارای دو مبحث است: مبحث الفاظ و مبحث ادله عقلیه. مبحث الفاظ چنانکه از نام آن پیداست در پیرامون لفظ و فهم معنی از آن و کلی و جزئی بودن معنی و هم چنین حالات مختلفی است که در استعمال لفظ و یا وضع آن در برابر معنی دیده میشود مانند اشتراك، حقیقت و مجاز، عام و خاص، مطلق و مقید. در مبحث ادله عقلیه بحث از اصول کلی بیان می آید که هنگام شك در وجود حکم شرعی یکی از آنها متوسل میشوند و این اصول عبارتند از: برائت، اشتغال، تخییر، استحباب و بمناسبت از مسائل دیگری مانند قطع و ظن و ظنون خاصه نیز بحث میشود. شروع بعلم اصول تقریباً پس از خاتمه دروس دوره سوم صرف

۱ - در یادداشت های مرحوم تنکابنی از کتاب «بصائر العنویه» هم نام رفته است و میگوید در حوزه های ایران و مصر و بلاد اسلامی تدریس میشود لیکن من هیچ يك از طلاب را ندیده ام که بخوانند این کتاب بردازد و نشنیده ام که در یکی از حوزه ها این کتاب تدریس شود و جز، کتب درسی باشد.

و نحوی پس از پایان یافتن مغنی و مطول و گاهی پس از پایان یافتن مغنی و باب معانی از کتاب مطول است. نخستین کتابی که در این علم تدریس میشود معالم الاصول میباشد. معالم الاصول را تقریباً همه طلاب فرا میگیرند<sup>۱</sup>

پس از اتمام این کتاب طلاب غیر عرب بخواندن کتاب قوانین میردازند<sup>۲</sup> لیکن طلاب عرب پس از فرا گرفتن معالم بخواندن کتاب فرائد الاصول مشغول میشوند. گاهی دیده شده است که بعضی طلاب پس از خواندن قوانین مقداری از کتاب فصول و یا تقریرات مرحوم شیخ مرتضی انصاری را نیز میخوانند.

**اصول دوره سوم** - در این دوره طلاب غیر عرب بخواندن کتاب فرائد الاصول و سپس بخواندن کفایة الاصول میردازند و یا اینکه هر دو کتاب را در عرض هم فرامیگیرند. با اتمام کتابهای کفایة و فرائد الاصول دوره اصول سطح پایان می یابد و دوره اصول خارج<sup>۳</sup> شروع میشود و بقرار مسموع اخیراً این دو کتاب را تا پایان تدریس نمیکنند و بعضی از اساتید از تدریس این ابواب صرف نظر میکنند. از کتاب فرائد الاصول مباحث انسداد علم باب حجیة ظن، در اصول دین، اقوال استصحاب از قول نخست تا قول ششم، از کفایة الاصول: بحث تعارض ادله، اجتهاد تعلقه: علت عدم تدریس این ابواب دو چیز است یکی اینکه بعضی این مسائل فائده عملی در فقه (که علم اصول بخاطر آن خوانده میشود) ندارد. دیگر اینکه این مسائل در درس خارج مشروحاً مورد بحث واقع میشود.

**علم فقه** - در این علم از احکام شرعی که بر مکلف<sup>۴</sup> تعلق میگیرد بحث میشود. عمل هر مکلف از نظر فقهی مشمول یکی از احکام پنجگانه: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح خواهد بود و فقیه با استفاده از قرآن، اخبار، اجتماع فقها، حکم عقل، حکم هر يك از موضوعات را برای مقلدین خود استخراج میکند. احکام فقه از این چهار قسم خارج نیست عبادات، معاملات، حدود، دیانت. کتبی که در این علم تدریس میشود: در دوره اول فقه کتاب تبصرة المتعلمین و یا نجات العباد یا شرایع است. بعضی از طلاب ابتدا مقداری از عروة الوثقی را میخوانند.

**دوره دوم** - در این دوره کتاب شرایع و شرح لعمه را تدریس میکنند ولی طلاب عرب بخواندن شرح لعمه اقبالی ندارند و بجای آن ریاض الاحکام را میخوانند. تحصیل شرایع مقارن خواندن مغنی و تحصیل شرح لعمه مقارن خواندن قوانین است و طلاب عرب ریاض را مقارن با معالم میخوانند.

۱ - معالم الاصول را طلاب عرب در عرض فرا گرفتن این ناظم و شرح این عقیل و یا مقارن شرح قطر می خوانند

۲ - در این عصر کتاب قوانین تا پایان تدریس نمیشود. مخصوصاً جلد دوم آن که در مباحث عقلی است. جلد اول راهم تا پایان مبحث عام و خاص میخوانند بلکه اخیراً شنیده میشود که این کتاب را تا مبحث مفهوم و منطوق یا تا آخر بحث مشتق بیشتر تدریس نمیکنند و علت هم توسعه و دامنه علم اصول و طول مدت درس خارج میباشد

۳ - توضیح کلمه سطح و خارج ذیل علم فقه خواهد آمد.

۴ - مکلف از نظر شرع پسربادختری است که بسن بلوغ رسیده و موظف است اعمال خود را بر طبق دستور دین اجرا سازد.

دوره سوم - فقه نهائی (سطح) : در این دوره منحصرأ کتاب مکاسب مرحوم شیخ مرتضی انصاری تدریس میشود. این کتاب را متاجر نیز می نامند. مکاسب مقارن فرائد الاصول و کفایة الاصول تدریس میشود. معمولاً سطح باب مکاسب محرمة این کتاب را تدریس نمیکنند و آغاز تدریس از اول کتاب بیع است. پس از اتمام این کتاب (مقصود اتمام حقیقی نیست زیرا که سطح مکاسب از آغاز تا پایان تدریس نمیشود) دوره تحصیل فقه خارج آغاز میشود.

کلمة خارج مقابل کلمة سطح است و مقصود از دروس سطح، درسی است که از روی مطالب کتاب فرامیگیرند و مدرس مطالب کتاب را برای شاگرد تشریح میکند. کتاب هائی که در سطح خوانده میشود در علم اصول: قوانین، فصول، فرائد الاصول، کفایة الاصول و در علم فقه شرایع و شرح لمعه و ریاضی و مناجراست. محصل پس از پیودن دروس سطحی باید برای تکمیل معلومات و وقوف بر نظر علمای مبرز و آشنائی بنقض و ابرام هائی که در پیرامون مسائل رخ میدهد بدرس خارج حاضر شود. در چنین درسی طلاب که گاهی عده آنان به پانصد تن میرسد و در زمانهای گذشته به هشتصد و هزار تن نیز بالغ میشده است در محلی (که معمولاً یکی از مساجد است) فراهم می آیند و استاد بر منبر می نشیند و شاگردان گرد منبر او حلقه میزنند. هیچ يك از طلاب کتاب همراه ندارد زیرا مطالبی که مورد بحث قرار میگیرد در کتاب خاصی نیست بلکه استاد قبلاً کتب متعدد را مطالعه کرده و مطالب آنرا در ذهن خویش مرتب ساخته است و هنگام درس گفتن ابتدا متن یکی از کتابهای سطحی را عنوان و مطالب آنرا تشریح میکند. آنگاه به بیان نظریه های موافق و یا مخالف علمای فن در مورد همان مسئله پرداخته صحت و سقم هر يك را آشکار میسازد. در پایان نتیجه و رای خود را در آن موضوع اعلام میدارد. نظریه گاه موافق مطلب کتابی است که عنوان درس قرار گرفته و گاهی مخالف آن و موافق یکی از آراء دیگر و گاه مخالف کلیة آراء موجوده میباشد.

در این درسی که مدت آن از سه ربع تا يك ساعت امتداد مییابد هیچ گونه یادداشت برداشته نمیشود بلکه طلاب مطالب را در ذهن خود ضبط کرده پس از پایان درس استاد، دو نفر و سه نفر بمذاکره همان درس میپردازند و گاهی یکی از شاگردان مبرز که سابقه یشری در درس داشته باشد، مجدداً مطالب مورد بحث را برای عده ای از شاگردان تقریر میکنند چنین کسر اقرار مینامند.

کتاب هائی که عنوان درس خارج قرار میگیرد در علم فقه: عروة الوثقی و مکاسب مرحوم شیخ مرتضی و مصباح الفقیه و در علم اصول: کتاب کفایة است و سابقاً قوانین و پیش از تالیف آن معالم عنوان بحث بوده است. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد در خارج مخصوص فقه و اصول است. نشنیده و ندیده ام که علم منطق و یا صرف یا نحو یا عام دیگر نیز دارای دو مرحله سطح و خارج باشد.

در کلیة مراحل تحصیلی قدیم بخصوص در درس خارج مجال واسعی برای اشکال کردن شاگردان موجود است چنانکه گاهی مدت یک ساعت صرف پاسخ اشکال يك محصل میشود و این مشوقی برای پرورش روح تحقیق و تأمل در نهاد طلاب است که از آغاز اشتغال به تدقیق و کنجکاوی عادت میکنند

غالب محصلین، علم فقه و اصول علم کلام را نیز فرا میگیرند. علم کلام مربوط با اصول عقائد است و دربارهٔ مبدأ و معاد بحث میکند. همچنین برخی از ایشان از نظر وقوف بر احوال راویان حدیث بخواندن علم رجال میپردازند.

**علوم دیگر** - مفهوم علوم قدیمه در ذهن بیشتر مردم این عصر، علوم دینی فقه، اصول فقه، تفسیر و رجال است ولی در ازمنهٔ قدیمتر که دانشگاه و دانشکده‌های فعلی وجود نداشت همهٔ علوم در مدارس آنوقت تدریس میشد. آنگاه طلاب علوم دینی علاوه بر رشتهٔ تحصیل خود بخاطر تفنن کتابهایی را نیز که در علوم دیگر نوشته شده فرا میگرفتند و چه بسا ممکن بود در آن علوم پارع شوند بنا بر این مناسب بنظر میرسد فهرست کتب درسی غیر دینی را نیز ذکر کنیم هر چند که امروز طلاب علوم دینی کمتر به علمی جز فقه و اصول و کلام و گاهی هم تفسیر و فلسفه، توجه میکنند. اینک فهرستی از کتب معروف درسی علوم مختلفه:

الف - در فلسفه: شرح منظومهٔ سبزواری، اسفار، اشارات

ب - در عرفان: شرح فصوص الحکم

ج - در ریاضیات: شمسیه الحساب - خلاصه الحساب

د - در علم هیئت: رسالهٔ فارسی تصنیف قوشچی، شرح چغینی، تذکرهٔ خواجه نصیر الدین طوسی

ه - در علم طب: شرح اسباب، قانون، تحفهٔ حکیم مؤمن.

و - در هندسه: تحریر اقلیدس

ز - اسطرلاب: ابوالحسین صوفی، الاستیعاب فی العمل بالاسطرلاب، بیست باب، سی فصل

**کتب درسی بلوچهای بلوچستان ایران** - قرآن مجید، کتب فارسی: دورهٔ اول

کریم، نام حق، محمود و ایاز، حمد بیحده - ایراق؟

دوره دوم: حافظ، گلستان، بوستان، قصص الانبیاء

کتب عربی: منیه المصلی، قدوری، گنز، مختصر، وقایه، هدایه، شامی (جامی؟)

**کتب تحصیلی اهل سنت و جماعت در کردستان ایران** در علم صرف: تصریف

زنجانی یا صرف میر، تصریف ملاعلی، شرح شافیه یا شرح نظام

در علم نحو: عوامل جرجانی، انموزج، وضع و استعاره، جامی یا سیوطی

علم منطق: حسام کافی یا ایسا غوجی فناری، ایسا غوجی عبدالله یزدی، شرح شمسیه یا کلنبوی

معانی و بیان: مختصر و مطول: شرح عقائد نسفی

علم کلام: تهذیب الکلام

اصول فقه: جمع الجوامع

ریاضیات: تشریح تألیف شیخ بهائی

۱ - اسامی این کتابها و ترتیب تدریس آنها آقای سید مظهر علوی که از ائمه جماعت و فضلاء

مقیم سندج هستند برای نویسنده ارسال داشته اند